

سنجش و رتبه‌بندی حس تعلق مکانی محلات بافت تاریخی گرگان

صالح روشنی* نوشین رضوانی** رضا پاسیان خمری***

چکیده

حس تعلق به مکان به‌عنوان حسی بالنده میان مردمی که از اهداف مشترکی برخوردارند، متضمن علاقه و دلبستگی افراد به آن مکان است و فضاهای دارای این کیفیات در ذهن فرد نقش بسته و منجر به بازگشت فرد به آن مکان می‌شود. جاری کردن احساس تعلق به زیستگاه‌های شهروندان، رویکرد نسبتاً جدیدی در مدیریت فضاهای عمومی شهر است که به‌دنبال مکان‌های سرزنده است. بافت تاریخی گرگان به‌عنوان هسته اصلی شهر، در معرض مشکلات زیادی قرار دارد که بخشی از آن ناشی از کاهش حس تعلق مکانی ساکنان است. در این میان، پی‌بردن به عوامل تشکیل‌دهنده حس تعلق و جایگاه محلات بافت تاریخی گرگان اهمیت دارند. لذا با مطالعات کتابخانه‌ای، هنجارهای مؤثر گردآوری شده و با به‌کارگیری تکنیک سلسله مراتبی فازی (FAHP)، وزن‌دهی شده‌اند. در مرحله بعد، گویه‌های موردسنجش از طریق پرسشنامه در محلات ارزیابی شده و نتایج حاصل با روش TOPSIS رتبه‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در رابطه با هنجارهای بررسی شده نسبت به تعلق مکانی، بیشترین اهمیت را به‌ترتیب؛ معیارهای سرزندگی، دلبستگی به مکان، رضایت‌مندی از مکان و خاطرات جمعی کسب کرده‌اند. هم‌چنین رتبه‌بندی با روش تاپسیس نشان می‌دهد که به‌ترتیب محلات سرچشمه (۰/۶۸۱)، نعلبندان (۰/۶۶۲)، پاسرو (۰/۶۲۵) و دباغان (۰/۵۳۳) دارای بیشترین نمره نهایی تعلق مکانی هستند. از سوی دیگر، محلات باغ پلنگ و شازده قاسم، میرکریم و چهارشنبه‌ای دارای کمترین نمرات نهایی تعلق مکانی هستند. محلات سرچشمه، نعلبندان و پاسرو با احساس تعلق بالا، در بخش‌هایی از بافت تاریخی قرار گرفته‌اند که دارای بیشترین سرزندگی هستند و مجموعه‌ای از فعالیت‌های متنوع که در ساعات مختلف فعال هستند در آنها استقرار پیدا کردند. در سنجش تعلق مکانی، ابعاد ذهنی (خاطرات جمعی، دلبستگی و وابستگی به مکان) و فعالیت‌ی (رضایت‌مندی و سرزندگی)، بیشترین تأثیر را در سنجش حس تعلق مکانی محلات بافت تاریخی گرگان داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: حس تعلق مکانی، تکنیک سلسله مراتبی فازی (FAHP)، تاپسیس (TOPSIS)، بافت تاریخی، گرگان

مقدمه

حس تعلق به مکان در شهرهای امروزی آنقدر اهمیت دارد که نیاز به ایجاد پارادایم جدید به‌عنوان حس تعلق مکانی احساس می‌گردد (Becker, 1991: 424). وجود فضاهای شهری بی‌انگیزه، کسالت‌آور، بی‌کیفیت، غیرانسانی و بی‌معنی که هم‌چنان با لجاجت راه خویش را ادامه می‌دهند از مشخصه‌های شهرهای حاضر است. امروزه، توسعه نامناسب شهری و تضعیف حس مکان و دلبستگی به آن، تغییر در احساس و تصور مردم از مکان را سبب شده است. در اغلب موارد، تغییرات در محیط فیزیکی، نوع کاربری و فعالیت‌ها موجب از بین رفتن ارزش‌ها و معنا شده است (سجادزاده، ۱۳۹۲: ۲). از پیامدهای این اتفاق؛ ایجاد محیط‌هایی مصنوعی و تهی از هویت انسانی، کاهش احساس تعلق مکانی، کاهش همبستگی و مشارکت اجتماعی و انگیزه ساکنان برای ادامه سکونت است. به‌همین خاطر لازم است توجه بیشتری به بازسازی، ساماندهی و سرمایه‌گذاری بر بافت‌های تاریخی صورت گیرد. در این میان، بافت‌های تاریخی و محلات قدیمی به‌عنوان قلب تپنده غالب شهرها، از مهم‌ترین فضاهای عمومی هستند که لزوم توجه به آنها و نگاه‌داشت ساکنان در داخل بافت پیش از پیش احساس می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در دوران تاریخی که ساختارزدایی گسترده سازمان‌ها و ویژگی اصلی آن است، هویت به اصلی‌ترین و گاه تنها سرچشمه معنا تبدیل می‌شود. مردم هر روز بیش از گذشته معانی خود را نه بر اساس اعمال بلکه بر اساس هویت خود یا آنچه که گمان می‌کنند هویتشان است، سامان می‌دهند. از آنجا که بافت‌های تاریخی هر شهر، میراث برجای‌مانده از روزگاران کهن آن شهر است و به‌نوعی هویت شهروندان محسوب می‌شود، تعلق خاطر در این میان، ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد و باعث یادآوری تجارب گذشته و خاطره‌انگیزی برای افراد شود. در حقیقت، استفاده‌کنندگان از فضا هستند که می‌توانند با زدن مهر و نشان خود، رنگ تعلق خاص خود را به آن فضا نشان داده و در ارتقای کیفیات بالقوه آن تلاش نمایند. به این ترتیب اگر شهروندان به سرنوشت مکان علاقه‌مند شوند، زمینه حفظ و نگهداری مکان و تقویت هویت مکانی فراهم می‌آید.

از این رو نوسازی بافت‌های شهری، فرآیندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیازهای اجتماع، توسط ساکنان آن انجام می‌پذیرد و در واقع به‌صورت خودبه‌خود

و تدریجی در سطح شهر روی می‌دهد. اما هنگامی که کارآیی یک محله شهری کاهش یافته و یا دچار فرسودگی می‌شود، ساکنان دیگر تمایلی به نوسازی محل سکونت خود نخواهند داشت و به‌تدریج آن محدوده شهری از چرخه توسعه خارج خواهد شد. ساکنین جدید نه‌تنها به بهبود وضعیت مکان زیستی خود کمکی نکرده‌اند، بلکه باعث بدتر شدن وضعیت آن به‌دلیل نبود حس تعلق به مکان نیز می‌گردند (شماعی و پورا احمد، ۱۳۸۲: ۳۴۷). بافت تاریخی گرگان نیز به‌مثابه مکان شهری زنده و پویا، دارای تمایزات کالبدی، معنایی و کارکردی مشهودی در میان محلات خود است که در میزان حس تعلق ساکنان آن نقش زیادی داشته است. بر این حسب، پژوهش حاضر در راستای بررسی وضعیت هنجار حس تعلق به‌عنوان انگیزه کلیدی افراد در بهبود محل سکونت خود می‌کوشد تا نقش سنجه‌های دخیل در این امر را به‌ترتیب اولویت و امتیاز حاصل از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی ارزیابی نماید و وضعیت محلات چهارده‌گانه بافت تاریخی گرگان را به‌لحاظ میزان حس تعلق بررسی نماید.

حس تعلق به مکان

در بسیاری از ادبیات مرتبط با مکان، مفهوم مکان اغلب بر حس تعلق یا وابستگی احساسی به یک مکان تأکید دارد (Knox & Pinch, 2000: 6). در واقع احساس تعلق و دلبستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است. این حس به‌گونه‌ای به پیوند میان فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند (فلاح، ۱۳۸۵). حس تعلق به مکان در درجه نخست به‌معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن (تداوم‌داشتن) و به جمع تعلق داشتن است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۰). تعلق به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰: ۴). تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به‌وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. شخص بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (Steele, 1981: 44). حس تعلق به مکان، یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی مثبت است که بین فرد و مکان ایجاد می‌شود (Stedman, 2003: 674) و برخاسته از فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان-مکان و انسان-انسان در یک مکان خاص است (Altman & Low, 1992: 28).

برای استفاده در طراحی معماری و طراحی شهری مورد تأیید قرار داده است (دانشپور و همکار، ۱۳۸۸). بر اساس دسته‌بندی مازلو، نیازهای اساسی و اولیه انسان به ترتیب شامل: نیازهای جسمانی، نیازهای ایمنی و امنیت، نیاز به تعلق، نیاز به احترام و نیازهای برتر شامل: نیاز خودشکوفایی، نیاز به شناخت و زیبایی است. حس تعلق از نظر وی جز نیازهای اساسی بوده و از سوی بسیاری از طراحان مورد توجه قرار گرفته است و در محیط‌های کالبدی در تمامی طول دوران زندگی انسان به انحاء مختلف قابل مشاهده است. از منظر تئوری نیازهای انسانی، حس تعلق، برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی است که طی آن، انسان به دنبال یافتن جای پای محکم در جهت ارتباط با محیط و پیوند صمیمانه با آن است (Lawson, 2001).

پیشینه تحقیق

در مورد عوامل شکل‌دهنده حس تعلق و دل‌بستگی به مکان، بحث‌های زیادی شده است که رویکردهای شناختی، اجتماعی، احساسی و کالبدی را در بر می‌گیرد. برخی از محققین نظیر آلمتن و لو علاوه بر تأکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی یعنی گونه‌ای از تعلق به خاطر مردم (استفاده‌کنندگان) تعبیر نموده‌اند (Altman & Low, 1992). عوامل اجتماعی-کالبدی بر اساس نظریه مکان-رفتار در روانشناسی محیطی، به دسته‌بندی محیط بر اساس دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازند (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۶). فعالیت‌ها در یک مکان شهری بر اساس حضور افراد و گروه‌های مختلف سنی شکل می‌گیرد و عوامل اجتماعی و کنش‌ها و تعامل‌های بین افراد بر افزایش حس تعلق در یک فضای شهری، تأثیرگذار است. امروزه بسیاری از این فعالیت‌ها تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. یکی از دلایلی که انسان در پی روشن کردن فضاهای زندگی است، طولانی‌تر کردن زمان فعالیت‌ها است (مهدوی‌نژاد و پورفتح‌اله، ۱۳۹۴: ۳). عامل کالبدی نیز مانند فرم و شکل بنا و ویژگی‌های آن به‌علاوه سایر عوامل از قبیل رنگ و بافت نیز بر حس تعلق تأثیرگذار است. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به‌عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک نقش مؤثری در شکل‌گیری حس تعلق دارند و نوع سامان‌دهی و چیدمان اجزای کالبدی نیز عامل مؤثر دیگری است (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۷). ریجر و لاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن به‌عنوان حس ریشه‌داری یاد نمودند که بر این اساس، فرد محیط را به‌همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق

حس تعلق به مکان از نگاه پدیدارشناسی

از نگاه پدیدارشناسان جغرافیای انسانی، حس تعلق به‌معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان با اجزای تشکیل‌دهنده آن است که این پیوند به‌صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان، عمق و گسترش بیشتری می‌یابد (Tuan, 1974: 134). مکان موردنظر در تعریف رلف، حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک به‌دست می‌آید. این تعریف مفهومی از مکان، مسأله‌ای است که به بعد ناآگاهانه و ادراکی از لایه‌های خاموش تجربه افراد اشاره دارد و از آن به‌عنوان حس وابستگی یا حس تعلق به مکان تعبیر می‌شود که حسی توأم با عاطفه در مکان است. حس تعلق از سوی جغرافی دانان پدیدارشناس به‌نام مکان دوستی تعبیر می‌شود که در معماری و طراحی از طریق قلمرو کالبدی با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی شکل می‌گیرد (Carmona, 2006).

حس تعلق به مکان از نگاه روانشناسی محیطی

مرور ادبیات موضوع، بیانگر گستردگی واژه‌ها و رویکردهای مختلف تبیینی این احساس و معنای خاص محیطی است که علاوه بر آن که دامنه وسیع اطلاعاتی را نشان می‌دهد، نوعی سردرگمی واژه‌ها و پیچیدگی ذهنی به‌همراه دارد که بسیاری از محققین به آن اشاره نموده‌اند. واژه‌های متعددی نظیر دل‌بستگی به مکان، وابستگی به مکان، اولویت‌دهی به مکان، هویت مکان و غیره از جمله این واژه‌ها می‌باشد (Hidalgo & Hernandez, 2001: 275). در روانشناسی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. در واقع دل‌بستگی به مکان، رابطه نمادین ایجادشده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد. بنابراین تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده است و عقاید فرهنگی مرتبط‌کننده افراد به مکان را نیز شامل می‌شود (Altman & Low, 1992).

حس تعلق به مکان از نگاه تجربه‌گرایان

در بررسی ابعاد و ماهیت حس تعلق در رویکرد تجربه‌گرایی، توجه به نیازهای انسانی ضروری است. پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه روانشناسی محیطی و نظریه‌های معماری، قابلیت مدل آبراهام مازلو را که به «هرم نیازهای انسانی» معروف است،

به‌خاطر می‌سپارد (Riger & Lavrakas, 1981). بنتلی و همکاران وی نیز با مطالعه و بررسی مجموعه ساختمان‌ها و منازل مسکونی در انگلستان، به وجود نوعی تمایل در رنگ تعلق و تمایز محیطی در ساختمان‌ها اشاره داشته و آن را به خوانایی محیطی تعبیر می‌نمایند. وی از این حس در فضاهای طراحی‌شده با صفت تمایز و جداسازی نام برده و آن را از خصوصیت‌های اصلی شکل‌گیری فضاهای انسانی پایدار معرفی می‌کند. بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی هم‌چون مشخص نمودن حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط هستند که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه محیط می‌پردازد (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۷). لویکا (2011) با مطالعه پژوهش‌های پیشین در ۴۰ سال گذشته، تأثیر فضای محصور به‌جای فضای باز را که موجب به‌وجود آمدن حس درون و بیرون می‌شود، در حس تعلق به مکان مؤثر می‌داند. او هم‌چنین از عواملی نظیر اندازه، محصوریت، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز (نماد)، دسترسی واحدها به طبیعت، دسترسی به خدمات و ... یاد می‌کند. مطالعات باتل و مارتینسون حاکی از رابطه معکوس اندازه اجتماع و میزان تعلق به مکان ساکنین آن بوده و نشان می‌دهد که این حس در ساکنین روستاها و شهرهای کوچک بیشتر از شهرهای بزرگ به‌وجود می‌آید (Buttall et al, 1979). از دیدگاه فاروق، میزان روابط و صمیمیت با همسایگان و میزان شناخت ساکنان آپارتمان‌های مجاور و تمایل شرکت در فعالیت‌های جمعی، مبین همبستگی اجتماعی و در نهایت تعلق به محله است. به‌تعبیر کوپر مارکوس با گذشت زمان و ایجاد دلبستگی فرد با محیط، محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود و احساس تعلق مکانی شکل می‌گیرد (معلمی، ۱۳۸۶: ۹۱). هم‌چنین قاسمی (۱۳۸۳) شرایط هویت‌مندی یک محله را تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی، خاطرات جمعی از محله و موضوعاتی از قبیل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی‌بودن، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان بر می‌شمرد (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۷). هم‌چنین مطالعه تطبیقی در سال ۲۰۱۷ توسط پیتر و دیگران در رابطه با نقش محیط‌های طبیعی در توسعه حس تعلق مهاجران میان کشورهای آمریکا، لهستان، هلند و آلمان صورت پذیرفته که محیط‌های طبیعی را در رابطه با سه عامل پایه‌ای: تاریخ، مکان و مردم بررسی می‌کند. آنها

نشان می‌دهند که مهاجران چگونه ارتباط با مکان را به‌واسطه ساخت یک تاریخ یا یک «شبکه خاطرات» توسعه می‌دهند و بحث می‌کنند که چگونه مهاجران مکان‌هایی را که بازدید می‌کنند به کار می‌گیرند، درک می‌کنند و با آن مرتبط می‌شوند و هم‌چنین روابط اجتماعی را که در محیط‌های طبیعی روی می‌دهد مورد بررسی قرار می‌دهند (Peters et al, 2017). از دیدگاه اسماعیل‌پور، می‌توان برای ایجاد هویت و فرهنگ مشترک بر روی نمادها، آیین‌ها و مراسمی که در فرهنگ اسلامی و ایرانی وجود دارد، تأکید کرد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۵: ۲۶). فضاهای دلنشین و خودمانی در محله، ارتباطات انسانی را به‌وجود آورده و می‌توانند حس نزدیکی و همسایگی را در ساکنان یک شهر ایجاد کنند. این فضاها برای استفاده‌کنندگان، امکان نظارت اجتماعی و کنترل رفتار دیگران را فراهم می‌کند که این خود خاطرات و تجربیات مثبت را به‌وجود می‌آورد. هر چه این خاطرات بیشتر و قوی‌تر باشد، هویت شهر یا انسان کامل‌تر می‌گردد. این فضاها می‌توانند سنتی و مدرن باشند اما فاکتور مهم، چگونگی سازماندهی آنها است که ایجاد یک پاتوق و همبستگی اجتماعی را سبب می‌شود. رویدادها و اتفاقات روزانه نیز در تشکیل خاطرات شهر و انسان مؤثر هستند. برگزاری مسابقات، گردهمایی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، نمایش‌های خیابانی، عزاداری‌ها از جمله رویدادهایی هستند که در حافظه شهر می‌مانند و شهر خاطره‌انگیز می‌گردد. شهر باخاطره، علاقه فرد به محیط زندگی را به‌وجود می‌آورد (وارثی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰). از این رو تعلق مکانی از لحاظ فرهنگی، منعکس‌کننده مؤلفه‌های اصلی حیات اجتماعی- فرهنگی است. یان زو نیز، «نام مکان» که مربوط به نام‌گذاری اماکن است، «روایت» که مربوط به روایات یا اساطیر فردی و جمعی است، «تجربه» که مسائل مرتبط با بقا و زندگی است و «معنویت» که مربوط به مسائل روحی و معنوی است را عوامل اصلی پیوندهای عاطفی و روحی افراد به سرزمین می‌داند (Concery et al, 2012 به نقل از Xu 1995) در جدول شماره ۱ مجموعه عوامل مؤثر بر حس تعلق از دیدگاه اندیشمندان شهری گردآوری شده است.

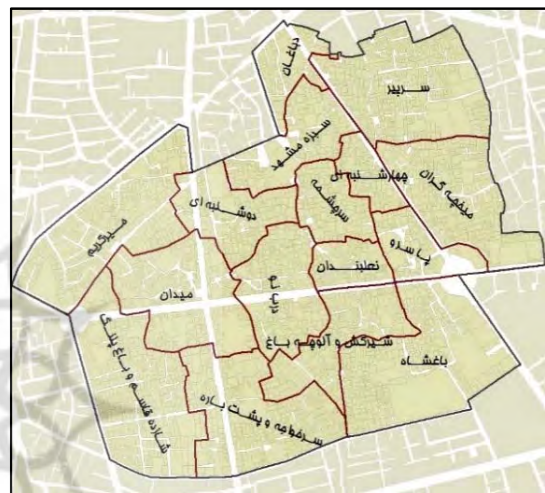
محدوده قلمرو تحقیق

بافت تاریخی گرگان در سال ۱۳۱۰ خورشیدی به‌شماره ۴۱ به‌ثبت رسیده است که محدوده آن بیش از ۱۵۰ هکتار وسعت دارد و معماری اصلی آن نیز به‌سبک قاجار است. سازمان فضایی اولیه شهر گرگان دارای الگوی ستاره‌ای ارگانیک با مرکزیت مسجد جامع بوده و محلات مسکونی در امتداد و شریان‌های اصلی هسته مرکزی شکل گرفته‌اند

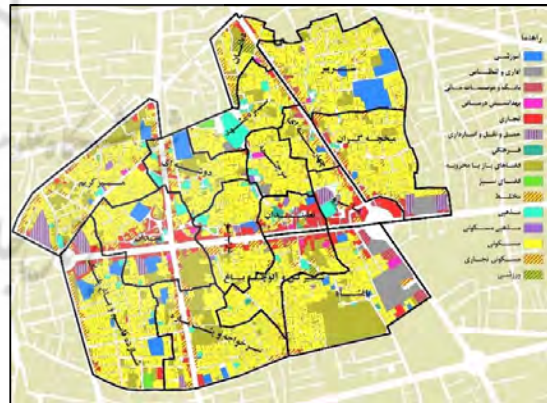
چشمه، انهار، آب‌انبار، مسجد، حمام، مدرسه و ملاخانه و گاهی نیز درخت چنار بسیار قدیمی قرار داشته است. بافت قدیمی با این که در ظاهر ممکن است بافت همگنی به نظر برسد، دارای تفاوت‌های عمیقی در درون خود است و اختلافات قابل توجهی بین محلات مختلف آن وجود داشته و همین اختلاف باعث نوعی احساس تفاخر در بین ساکنین هر یک از محلات شده است و ساکنین هر محله یکی از ویژگی‌های محله خود را بارزتر می‌داند (خودآوند، ۱۳۹۰: ۸). پیوندهای اجتماعی نظیر ویژگی‌های تباری یک قوم، همبستگی افراد محله را تأمین نموده و عناصر عملکردی کالبدی ویژه شامل خدمات محله‌ای، حمام و تأسیسات مذهبی (تکیه، حسینیه)، استقلال و هویت کالبدی محلات را تعریف می‌نموده‌اند. عناصر عملکردی و کالبدی حول محور اصلی ارتباطی محله در نقطه کانونی شهر مستقر شده و معمولاً نیز اندکی گشادگی در فضا، میدان محله را تعریف می‌نموده است. عملکرد این میدان به ویژه در ایام مراسم مذهبی نظیر عاشورا قابل توجه است.

بافت تاریخی شهر گرگان از اوایل دهه حاضر شمسی، تغییرات و تحولات گسترده خود را آغاز کرده است. خیابان‌کشی‌های صورت گرفته در دوره پهلوی اول، چهره شهر قدیم استرآباد را برای همیشه دگرگون می‌کند. با ایجاد خیابان‌های جدید شامل خیابان امام خمینی کنونی در طی سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ و سپس خیابان‌های سر پیر (شهدا)، مولن روژ (۵ آذر)، سرخواجه و سایر خیابان‌های دوره‌های بعد، بناهایی با چهره‌ها و عملکردهای جدید مانند ادارات، مدارس، صنایع و ... در شهر حضور پیدا می‌کنند. در این دوره با ارجحیت یافتن خیابان و رقابت بر سر استقرار در کنار آن، شیوه‌های گذشته معماری شهر نیز دچار تغییر و تحولاتی می‌گردند. گذرها، تکیه‌ها و مراکز محلات که در طول تاریخ طولانی شهر، کانون اصلی تحولات بودند کم‌کم با حضور عناصر جدید رنگ می‌بازند. تغییرات کالبدی و تغییر در شیوه‌های زیست و گذران زندگی با تغییرات اجتماعی نیز همراه می‌گردد و

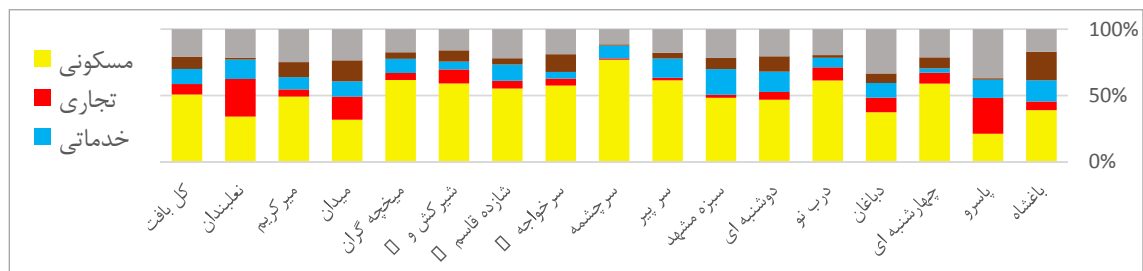
(نقشه‌های ۱ و ۲ و نمودار ۱). این بافت دارای سه محله اصلی به نام‌های نعلبندان (تصویر ۴)، محله سبزه مشهد (تصویر ۱) و میدان بوده که هر محله دارای محلات فرعی تر شامل؛ محلات میخچه‌گران (تصویر ۶)، سرچشمه (تصویر شماره ۲)، دوشنبه‌ای (تصویر ۳)، شیرکش، درب نو (تصویر ۵)، باغ پلنگ، چهارشنبه‌ای، میرکریم و... (تصاویر ۱ تا ۶) بوده که در پیرامون محلات اصلی شکل گرفته‌اند. محلات و تعدادی از گذرها دارای میدان‌گاهی با اشکال چهارضلعی، مربع یا مستطیل بودند و در آنها عناصری هم‌چون تکیه، قبرستان،



نقشه ۱. حدود محلات عرفی بافت تاریخی گرگان (نگارندگان)



نقشه ۲. پراکنش کاربریها در محلات عرفی (نگارندگان)



نمودار ۱. سهم کاربری‌های عمده به تفکیک محلات عرفی (نگارندگان)

جدول ۱. هنجارهای مؤثر بر حس تعلق به مکان

سنجه	هنجار	ابعاد	فراهنجار
میزان بروز مراسم خاص مانند عاشورا در طول سال میزان بروز رویدادها و آیین‌های جمعی سنتی میزان خاطرات جمعی ساکنان از فضاهای مذهبی مانند تکایا و مساجد کیفیت معماری مکان‌های آئینی میزان وجود عناصر و المان‌های خاطره‌انگیز در محله میزان توجه به بازسازی عناصر خاطره‌انگیز گذشته حفظ بناها و محله‌های تاریخی، حفظ نام‌ها و اسامی	خاطرات جمعی	ذهن	
وجود بستگان و اقوام میزان صمیمیت و همبستگی با اهالی محله احساس ساکنین نسبت به مهاجران و افراد غیربومی	وابستگی‌های عاطفی		
میزان علاقه به محله میزان افتخار به محله در شرایط مختلف	دلبستگی به مکان		
وجود نمادها و نشانه‌های آشنا شکل‌گیری تصویر ذهنی مشخص توانایی جهت‌یابی و آدرس‌پذیری توسط ساکنین محله	خوانایی و نمایانی		
میزان امنیت برای کودکان و بانوان در ساعات مختلف شبانه‌روز میزان امنیت برای افراد پیاده	امنیت		
مدت‌زمان سکونت در محله میزان اصالت ساکنین میزان تمایل به جایگزینی محل سکونت فعلی با محله‌های دیگر	ماندگاری		
تلقی سایرین از نام محله میزان اطلاع از پیشینه تاریخی و گذشته محله میزان اطلاع از رویدادهای اساسی و مهم در محله میزان شناخت ساکنان	آشنایی با مکان		
وجود ابنیه تاریخی تزیینات بناها نوع مصالح به کاررفته میزان فرسودگی بافت کوچه‌ها و گذرهای قدیمی	تمایز شخصیتی		
وجود جداره‌های پیوسته داشتن مقیاس انسانی هماهنگی الگوی نماها نبود فواصل بین بدنه ساختمان‌ها	محسوریت	ریخت/توده/کالبد	
میزان استفاده از مصالح بومی میزان رعایت مسائل اقلیمی در طراحی حفظ اصالت در استفاده از مصالح	بومی‌گرایی		

سنجه	هنجار	ابعاد	فراهنجار
میزان تنوع رویدادها میزان تنوع و انعطاف‌پذیری کاربری‌های هماهنگ با جزئیات کالبدی میزان توجه به حفظ کاربری‌های سنتی	گوناگونی	کارکرد/فعالیت	ادامه حس تعلق
میزان وجود فضای سبز و پارک جهت فراغت جوانان و نوجوانان قابلیت حضور تمامی گروه‌های اجتماعی در فضا میزان وجود فضاهایی برای نشستن در میدان میزان استفاده از نشانه‌های شاخص در خلق کانون فعالیت مانند وجود بازار محله‌ای میزان اجرای هنرهای خیابانی	سرزندگی		
امکان تأثیرگذاری افراد در شرایط محله	نقش‌انگیزی		
میزان ارتباط با همسایگان میزان خودمانی‌بودن با افراد محله عضویت و پیوستگی با اجتماع محله میزان توجه به پیاده‌مداری جهت افزایش برخورد‌های چهره به چهره	تعاملات اجتماعی		
میزان بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات توانایی پاسخگویی مکان به نیازهای فرد	رضایت‌مندی		

(نگارندگان)



تصویر ۲. مرکز محله سرچشمه (نگارندگان)



تصویر ۱. مرکز محله سبزه مشهد (نگارندگان)



تصویر ۴. مرکز محله نعلبندان (نگارندگان)



تصویر ۳. مرکز محله دوشنبه‌ای (نگارندگان)

سیر تغییرات جمعیتی و اجتماعی بافت قدیم یا همان شهر قدیم علی‌رغم مقاومت‌های اولیه ساکنان بومی آغاز می‌گردد. با گذشت زمان و توجه هر چه بیشتر به نقاط و نواحی بیرون از دیوارهای قدیم شهر، خروج از بافت و زندگی در مناطق بیرونی به‌ویژه نواحی با آب‌وهوای بهتر جنوبی به‌خواست اصلی ساکنان اصیل بافت به‌ویژه در نسل‌های بعدی تبدیل می‌شود. در وضع موجود، در محدوده بافت تاریخی شهر گرگان ۱۶ محله شناسایی شد که از این میان محله سرخواجه و پشت‌باره به علت عبور خیابان سرخواجه از میان بافت و تخریب و نوسازی‌های گسترده در دو طرح آن در قالب مجتمع‌های بزرگ‌مقیاس، عملاً وضعیت سابق محله‌ای خود را از دست داده است، به‌همین علت با حذف این محله، بررسی‌های این مقاله منطبق بر ۱۵ محله است که در ادامه معرفی شده‌اند. اطلاعات جمعیتی محلات در جدول ۲ قابل مشاهده است. علی‌رغم تمام تحولات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی روی‌داده، بافت تاریخی شهر گرگان به حیات خود ادامه می‌دهد. هر چند که نقش و اهمیت گذشته خود را تا حد بسیار زیادی از دست داده اما حضور عناصری که با گذشته و هویت شهر پیوند خورده‌اند کماکان بافت تاریخی را به‌عنوان مهمترین عنصر هویت‌بخش شهر حفظ کرده است. در حال حاضر بیش از ۱۵ هزار نفر در محدوده ۱۵۷ هکتاری آن زندگی می‌کنند و هنوز تا حد زیادی بر مبنای تقسیمات درونی ۱۰۰ سال پیش، محلات و خانه‌ها و حتی هویت مکانی خود را بازنمایی می‌کنند. ویژگی‌های محلات معرفی در جدول ۳ و نقشه‌های ۳ تا ۶ ارائه شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی استفاده می‌شود. این تکنیک، نظرات و ارزیابی‌های کارشناسان را ترکیب می‌کند و سیستم تصمیم‌گیری پیچیده را به یک سیستم سلسله مراتبی ساده تبدیل می‌نماید (Tsaour et al, 2002: 108). این تکنیک تا حد زیادی توانسته بود

شاخص‌های کمی و هم‌چنین شاخص‌های کیفی را به‌طور کارآمدی موردبررسی قرار دهد (Rao & Davim, 2008: 752). اما به‌طور کلی، از آنجایی که فرآیند تحلیل سلسله مراتبی متعارف و کلاسیک، در دستیابی دقیق نیازمندی‌های تصمیم‌گیران، ناکافی و ناکارآمد به‌نظر می‌رسد و قادر به انعکاس کامل تفکر بشری نیست، به‌منظور مدل‌سازی این نوع از عدم اطمینان‌ها در ترجیحات افراد بشر، تئوری مجموعه‌های فازی با مقایسات زوجی در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی ترکیب می‌شود (Ayag & Ozdemir, 2006: 18). فن مرتب‌سازی اولویت به‌دلیل مشابهت به راه‌حل ایده‌آل، یکی از متداول‌ترین روش‌ها می‌باشد که در سال ۱۹۸۱ به‌وسیله هوانگ و یون ارائه گردید (Hwang & Yoon, 1981). این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است که هر عامل انتخابی باید کمترین فاصله را با عامل ایده‌آل (مهم‌ترین) و بیشترین فاصله را با عامل ایده‌آل منفی (کم‌اهمیت‌ترین) داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، در این روش میزان فاصله یک عامل با عامل ایده‌آل و ایده‌آل منفی سنجیده می‌شود و این خود معیار درجه‌بندی و اولویت‌بندی عوامل است (آذر، ۱۳۷۸: ۵۰)؛ از این رو در این پژوهش جهت وزن‌دهی معیارها از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی (FAHP) استفاده می‌شود و جهت سنجش و رتبه‌بندی حس تعلق میان محلات نیز از روش تاپسیس استفاده شده است.

در مجموع در این پژوهش با تکیه بر مطالعات جهانی پیرامون حس تعلق، نکات محوری هنجارهای مرتبط با آن در قالب ابعاد کارکردی، کالبدی و معنایی که وجه اشتراک نظرات متخصصین است، تدوین شده است و هر یک از هنجارها جهت سنجش در محله شامل گویه‌هایی می‌باشد که سؤالات پرسشنامه را تشکیل می‌دهد. بر طبق نمودار ۲، سه عامل کالبدی، کارکرد و معنا، فضایی را واجد هویت کرده است و برای مخاطب تبدیل به مکان می‌نماید؛ انجام فعالیت‌ها توسط فرد و سپس رخداد وقایعی که به‌سبب استمرار حضور و گذشت



تصویر ۶. مرکز محله میخچه‌گران (نگارندگان)



تصویر ۵. مرکز محله درب نو (نگارندگان)



طریق مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه در محلات پانزده گانه عرفی بافت تاریخی گرگان موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته اند. با توجه به هدف و روش تحقیق، نیاز به تدوین دو گونه پرسشنامه برای جامعه آماری است که شامل ساکنان محلات جهت شناسایی وضعیت سنجه ها در محله و جامعه آماری دوم شامل مدیران میراث فرهنگی و اساتید دانشگاه می شود که به نحوی در موضوع دخیل هستند و وظیفه تکمیل پرسشنامه های وزن دهی را به عهده دارند. با در نظر گرفتن ۱۵۳۶۲ نفر جمعیت ساکن در محلات، ۹۵٪ و ضریب دقت ۰/۰۵ و واریانس (۰/۰۲۵)، $S^2=374$

زمان در مکان حاصل می شود، منجر به شکل گیری تعلق خاطر می شود. در مرحله بعد با استفاده از نظرات خبرگان، ماتریس مقایسات زوجی در حالت فازی بین هنجارها تشکیل شده است تا عوامل بی تأثیر از سنجش حذف شده و سایر عوامل به لحاظ اهمیت اولویت بندی گردند. در نهایت با محاسبه میانگین هنجارها در هر محله حاصل از پرسشنامه جامعه آماری و استفاده از نرم افزار TOPSIS، سطح بندی محلات پانزده گانه بافت تاریخی گرگان به لحاظ میزان حس تعلق مکانی مشخص خواهد شد.

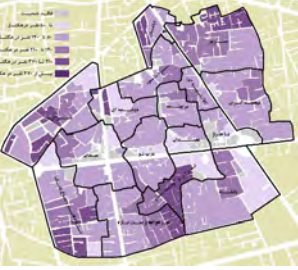
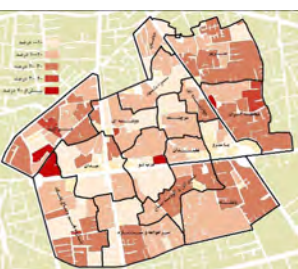

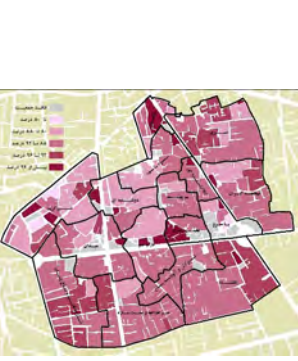
بدین ترتیب، با استفاده از روش تحقیق کیفی در بخش مبانی نظری، هنجارهای موردنیاز استخراج شده اند و از

جدول ۲. اطلاعات آماری محلات عرفی موردبررسی

محلّه	جمعیت	مساحت (هکتار)	تراکم جمعیتی	خانوار	خانوار بعد کاخوار	درصد شاغلان	نسبت جنسی	درصد باسواد	درصد مهاجر	درصد جمعیت کمتر از ۶ سال	خانوار در واحد مسکونی	نفر در واحد مسکونی
باغشاه	۱۳۷۷	۱۸/۰۶	۷۶	۴۰۱	۳/۴۳	٪۳۱/۱	۱۰۰/۴	٪۹۱/۱	٪۲۱/۶	٪۶/۱۰	۱/۰۷	۳/۶۷
پاسرو	۱۵۸	۰۷/۵	۳۱	۵۲	۳/۰۴	٪۲۴/۷	۸۳/۷	٪۸۶/۶	٪۱۰/۸	٪۵/۷	۱/۰۴	۳/۱۶
چهارشنبه ای	۲۹۰	۲۴/۳	۸۹	۸۵	۳/۴۱	٪۲۸/۳	۸۴/۷	٪۹۱/۶	٪۱۴/۸	٪۵/۲	۱/۰۹	۳/۷۲
دباغان	۵۵۶	۴۶/۴	۱۲۴	۱۳۴	۴/۱۵	٪۲۹/۷	۱۰۰/۰	٪۹۲/۵	٪۱۰/۳	٪۶/۳	۱/۱۶	۴/۷۹
درب نو	۷۰۵	۹۶/۸	۷۸	۲۱۴	۳/۲۹	٪۲۷/۰	۹۹/۲	٪۸۹/۷	٪۱۲/۱	٪۴/۸	۱/۰۹	۳/۶۰
دوشنبه ای	۶۳۹	۴۸/۷	۸۵	۱۸۷	۳/۴۲	٪۲۵/۴	۱۰۴/۸	٪۸۶/۴	٪۱۳/۵	٪۵/۸	۱/۰۶	۳/۶۳
سبزه مشهد	۶۴۸	۵۳/۷	۸۶	۱۸۰	۳/۶۰	٪۲۹/۸	۱۰۷/۰	٪۸۸/۸	٪۱۱/۰	٪۶/۲	۱/۱۵	۴/۱۵
سرپیر	۱۷۲۰	۴۵/۱۵	۱۳۰	۵۸۲	۳/۴۷	٪۳۰/۴	۱۰۱/۷	٪۹۱/۰	٪۲۱/۷	٪۷/۵	۱/۰۹	۳/۷۶
سرچشمه	۴۹۹	۵	۹۹	۱۴۴	۳/۴۷	٪۲۸/۵	۹۶/۹	٪۸۹/۰	٪۱۰/۸	٪۳/۸	۱/۰۶	۳/۶۷
شازده قاسم و باغ پلنگ	۱۸۸۸	۵۵/۱۶	۱۱۴	۵۴۰	۳/۵۰	٪۳۲/۴	۸۹/۶	٪۹۱/۲	٪۱۹/۰	٪۷/۸	۱/۰۳	۳/۶۰
شیرکش و آلوچه باغ	۱۰۴۷	۲/۸	۱۲۷	۳۲۰	۳/۲۷	٪۳۲/۱	۹۸/۳	٪۹۰/۵	٪۱۸/۴	٪۵/۷	۱/۰۷	۳/۴۹
میخچه گران	۱۲۲۸	۳۳/۱۲	۱۰۰	۳۷۵	۳/۳۰	٪۳۴/۱	۹۵/۹	٪۸۹/۴	٪۲۴/۸	٪۶/۷	۱/۱۱	۳/۶۶
میدان	۹۰۴	۶/۱۲	۷۱	۲۶۰	۳/۴۸	٪۳۰/۰	۱۰۶/۴	٪۸۹/۲	٪۱۱/۴	٪۶/۵	۱/۰۶	۳/۶۹
میرکریم	۱۶۹۴	۰۹/۱۵	۱۱۲	۴۵۶	۳/۷۱	٪۳۲/۳	۱۰۶/۸	٪۸۷/۶	٪۲۲/۷	٪۷/۵	۱/۰۱	۳/۷۴
نعلبندان	۱۱۴	۶۱/۳	۳۱	۳۳	۳/۴۵	٪۳۱/۶	۹۳/۲	٪۹۴/۵	٪۱۴/۹	٪۴/۴	۱/۰۶	۳/۶۸
بافت تاریخی	۱۵۳۶۲	۷/۱۵۷	۹۷	۴۴۵۲	۳/۴۵	٪۳۱/۱	۹۸/۸	٪۸۹/۹	٪۱۸/۰	٪۶/۵	۱/۰۷	۳/۷۰
راهنما	رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴	رتبه ۴							

(نگارندگان، براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

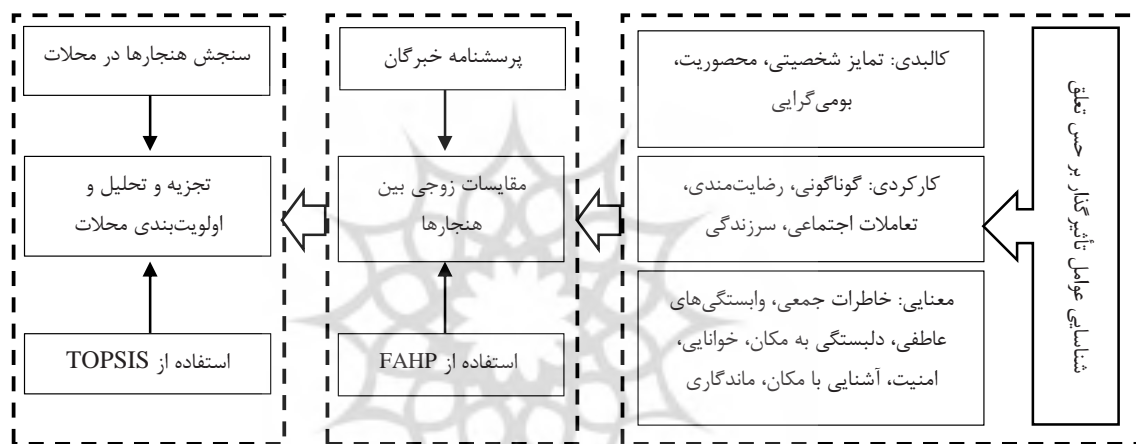
جدول ۳. معرفی ویژگی‌های کلی محلات عرفی بافت تاریخی گرگان

 <p>نقشه ۳: تراکم جمعیتی محلات عرفی</p>	<p>محله دباغان جمعیت: ۵۵۵ نفر ویژگی‌ها: در شمال محله سبزه مشهد قرار دارد و از محلات فرعی محسوب می‌شود اما دارای تکیه، مسجد و حمام ویژه خود است.</p>	<p>محله چهارشنبه‌ای جمعیت: ۲۹۰ نفر ویژگی‌ها: وجود امامزاده معروف به امامزاده چهارشنبه‌ای، قرارگیری محله در کنار محور تجاری خیابان شهدا</p>	<p>محله پاسرو جمعیت: ۱۵۸ نفر ویژگی‌ها: این محله به شدت تحت تأثیر راسته‌های تجاری امام، شهدا، نعلبندان و استقرار پارکینگ طبقاتی در مرکز محله قرار گرفته است.</p>	<p>محله باغشاه جمعیت: ۱۳۷۷ نفر ویژگی‌ها: در بخش جنوب شرقی بافت و در کنار محور اصلی شمالی-جنوبی شهر و مجاورت با پارک شهر با ساکنان با وضعیت اقتصادی بهتر</p>
 <p>نقشه ۴: سهم جمعیت مهاجر</p>	<p>محله سرپیر جمعیت: ۲۰۱۷ نفر ویژگی‌ها: دارای مسجد، حمام، بقعه پیر، نکایا و قنات است. با سهم قابل ملاحظه جمعیت مهاجر دارای بیشترین تراکم جمعیتی در میان محلات است.</p>	<p>محله سبزه مشهد جمعیت: ۶۴۸ نفر ویژگی‌ها: از محلات اصلی بافت، دارای مرکز و نکایای بسیار فعال، در قدیم محل مظهر قنات بوده و تأمین‌کننده آب ساکنان شهر بوده.</p>	<p>محله دوشنبه‌ای جمعیت: ۶۳۹ نفر ویژگی‌ها: شهرت محله به علت وجود امامزادگان راضیه و مرضیه. پایین‌ترین سطح سواد در میان محلات عرفی بافت تاریخی.</p>	<p>محل درب نو جمعیت: ۷۰۵ نفر ویژگی‌ها: از محلات فرعی میدان که توسط خیابان امام به دو بخش تقسیم شده است. مرکز با وجود عناصر مدرسه عمادیه، حمام، تکیه و چند مغازه سرزنده است.</p>
 <p>نقشه ۵: نرخ اشتغال</p>	<p>محله میخچه‌گران جمعیت: ۱۳۳۸ نفر ویژگی‌ها: به علت جابه‌جایی‌های جمعیتی و نوسازی‌ها بیشترین جمعیت مهاجر را در میان محلات بافت دارد.</p>	<p>شیرکش و آلوچه باغ جمعیت: ۱۰۴۸ نفر ویژگی‌ها: این محلات در بخش جنوبی شهر قرار گرفته‌اند و غیر از نواحی همجوار خیابان امام کاملاً عملکردهای مرتبط با سکونت دارند.</p>	<p>محله شازده قاسم و باغ پلنگ جمعیت: ۱۸۸۸ نفر ویژگی‌ها: امامزاده قاسم عنصر شاخص محله است. روند تخریب و نوسازی محله در سالهای اخیر قابل توجه بوده.</p>	<p>محله سرچشمه جمعیت: ۴۹۹ نفر ویژگی‌ها: محله‌ای با کاربری غالب مسکونی و دارای عناصر شاخص امامزاده نور، نکایا و خانه‌های معروف باقری، شیرنگی، خانه‌ها و مدرسه تقوی و ...</p>
 <p>نقشه ۶: نرخ باسوادی</p>	<p>محله نعلبندان جمعیت: ۱۱۴ نفر ویژگی‌ها: در کنار دروازه خراسان بوده و بازار اصلی و مسجد جامع در آن قرار داشته است. غیر از مسجد جامع آثار شاخصی نظیر حمام قاضی، خانه امیر لطیفی و تکیه نعلبندان (میدانی مربع شکل با تناسبات و محصوریت فضایی مطلوب) نیز قرار دارند. در وضعیت موجود به‌عنوان بازار میوه و تره بار بسیار فعال و سرزنده است.</p>	<p>محله میرکریم جمعیت: ۱۶۹۴ نفر ویژگی‌ها: با توجه به قرارگیری در حاشیه شمال غربی بافت، تغییر و تحولات کالبدی و جمعیتی قابل توجهی داشته است.</p>	<p>محله میدان جمعیت: ۹۰۴ نفر ویژگی‌ها: با راسته‌های فعال تجاری از مهمترین گره‌های عملکردی و ترافیکی شهر که قدمگاه عباس، امامزاده نه تن از عناصر شاخص محله هستند.</p>	

FAHP شده و بر حسب شاخص‌های سازگاری یا مورد تأیید قرار می‌گرفت و یا به نخبه برگشت داده می‌شد تا با اصلاح نمره‌دهی، شاخص سازگاری در حد مطلوبیت یعنی کمتر از ۰/۱ قرار بگیرد. در ادامه با تعریف عبارات کلامی برای اعداد فازی و تشکیل ماتریس قضاوت، اوزان نرمالایز شده گزینه‌ها و معیارها حاصل شد و از ترکیب آنها وزن نهایی هر هنجار به دست آمد.

پس از تعیین وزن هر یک از معیارها با روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، رتبه‌بندی محلات هدف بر اساس روش تاپسیس طبق مراحل جدول ۴ صورت می‌گیرد.

نفر به دست آمده است که به تناسب جمعیت در بین محلات هدف تقسیم شدند. سپس این پرسشنامه بین نمونه تصادفی توزیع شد و منجر به شناسایی وضعیت سنج‌ها (نمودار ۳) در هر محله گردید. سپس جهت بررسی پایایی پرسشنامه شماره ۱، از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۵۶ بود که نشان می‌دهد پایایی پرسشنامه بالاتر از حد متوسط قرار دارد. پرسشنامه ۲ بر اساس مقیاس ساعتی و مفهوم روش سلسله مراتبی فازی، طراحی و در اختیار گروه تصمیم شامل ۶ نفر از متخصصین شهری گذاشته شد تا ماتریس‌های مقایسات زوجی حاصل شود. امتیازات نخبگان برای هر معیار و سنجش هر محله وارد محیط تحلیل سلسله مراتب فازی



نمودار شماره ۲. مراحل انجام پژوهش (نگارندگان)



نمودار ۳. درخت سلسله مراتبی تصمیم معیارهای تعلق مکانی (نگارندگان)

جدول ۴. مراحل رتبه‌بندی به روش تاپسیس

گام ۱. تشکیل ماتریس داده‌ها	گام ۲. کمی کردن و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس تصمیم	گام ۳. وزن‌دهی	گام ۴. تعیین راه‌حل ایده آل مثبت و ایده آل منفی	گام ۵: به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل‌های مثبت و منفی	گام ۶: تعیین نزدیکی نسبی یک گزینه به راه‌حل ایده آل	گام ۷. رتبه‌بندی گزینه‌ها
	$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}}$	به ماتریس نرمالایز شده	ایده آل مثبت و ایده آل منفی	$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2}$ $i=1,2,\dots,m$ $d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$ $i=1,2,\dots,m$	$CL_i = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$	

یافته‌های تحقیق

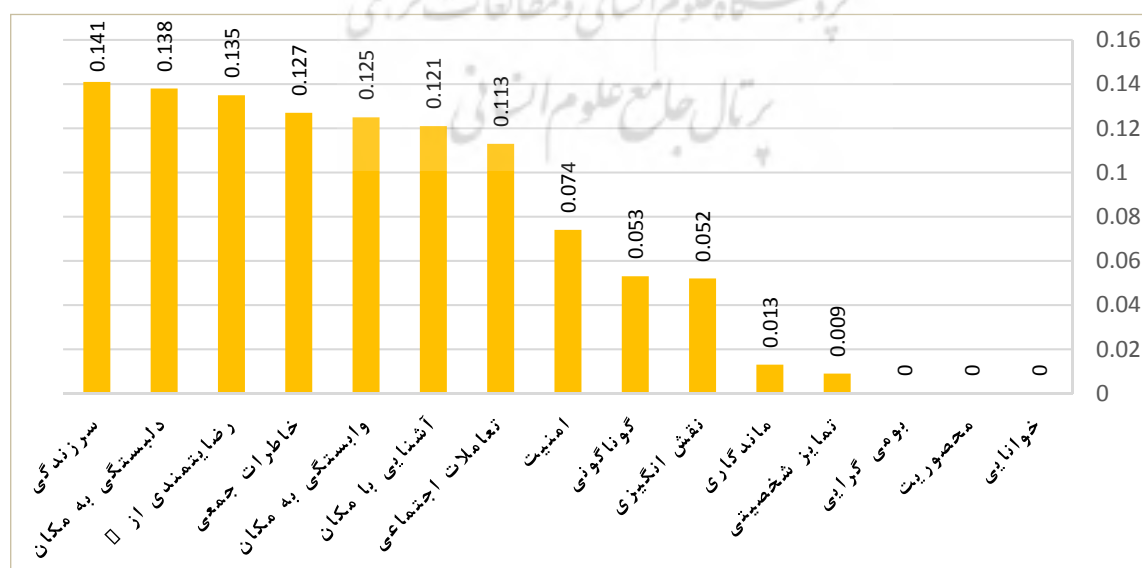
وزن نهایی محاسبه‌شده بر اساس روش FAHP، در نمودار ۴ نشان می‌دهد که ابعاد ذهنی و کارکردی بیشترین تأثیر را در حس تعلق مکانی دارند به طوری که هنجارهای سرزندگی (۰/۱۴۱)، دل‌بستگی به مکان (۰/۱۳۸)، رضایت‌مندی از مکان (۰/۱۳۵) و خاطرات جمعی (۰/۱۲۷) به ترتیب بیشترین امتیازات را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین بعد کالبدی با توجه به صفرشدن هنجارهای محصوریت و بومی‌گرایی از کمترین اهمیت برخوردار است.

رتبه‌بندی بر اساس روش تاپسیس

همان‌گونه که در روش پژوهش عنوان شد، برای تکمیل کاربردی روش FAHP، از الگوریتم تاپسیس برای رتبه‌بندی استفاده شد. بدین ترتیب در هر معیار سنجش که بر حسب نظر نخبگان تأیید شده است، داده‌ها بر حسب اطلاعات سازمانی، تکنیک پرسشنامه و مطالعات پیشین جمع‌آوری شدند و ماتریسی به نام ماتریس داده‌ها (جدول ۴) شکل گرفت

که نمره هر یک از محلات پانزده‌گانه را نسبت به معیارها نشان می‌دهد. چون ۳ معیار از ۱۵ معیار انتخابی ضریب صفر گرفته‌اند از این ماتریس حذف می‌گردند و ۱۲ معیار دیگر در هر محله مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

در مرحله بعد بسته به نوع شاخص و اثرگذاری آن روی هدف تصمیم‌گیری، ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی تعیین شدند. برای شاخص‌هایی که دارای تأثیرگذاری مثبت بر روی هدف مسأله می‌باشند، ایده‌آل مثبت، بیشترین مقدار آن شاخص است. به همین منوال برای شاخص‌هایی که دارای تأثیرگذاری منفی بر روی هدف مسأله می‌باشند، ایده‌آل مثبت، کمترین مقدار آن شاخص است. (جدول شماره ۵) محاسبات نهایی نشان می‌دهد که از نظر حس تعلق مکانی؛ محلات سرچشمه (۰/۶۸۱)، نعلبندان (۰/۶۶۲) و پاسرو (۰/۶۲۶) در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته‌اند. در رتبه‌های بعدی نیز محله دباغان، سرپیر و باغشاه قرار دارند و در انتهای رتبه‌ها نیز محلات باغ‌پلنگ و شاهزاده ابراهیم، میرکریم و چهارشنبه‌ای جای دارند. (نمودار ۵ و جدول ۶).



نمودار ۴. نمودار اوزان نهایی معیارها نسبت به تعلق مکانی (نگارندگان)

جدول ۵. تشکیل ماتریس داده‌ها

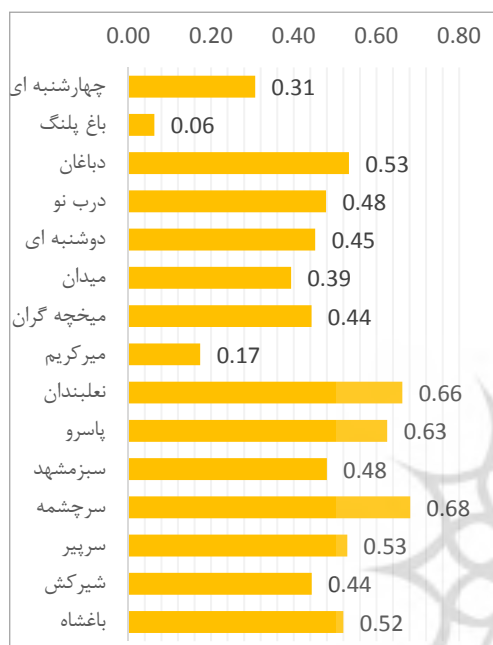
منطقه	ماندگاری	تعاملات اجتماعی	شخصیتی تمایز	امنیت	مکان آشنایی با مکان	سرزندگی	خاطرات جمعی	مکان دل‌بستگی به مکان	رضایت‌مندی از مکان	وابستگی به مکان	نقش‌انگیزی	گوناگونی
چهارشنبه ای	۲/۵	۲/۳۳	۲/۳	۲/۸۵	۳/۰۵	۲/۹۲	۲/۸۵	۲/۴	۱/۹	۲/۹۴	۲/۶	۲/۵
باغ پلنگ	۲/۶	۲/۳	۲	۲/۴	۲/۴	۲/۳۴	۲/۲۲	۱/۷	۱/۳۳	۲/۱۳	۲/۲	۱/۹
دباغان	۳/۱۵	۳/۷۶	۲/۸	۳/۶۵	۳/۲	۲/۵۲	۳/۱	۳/۵	۱/۵۴	۳/۵۶	۳/۵	۳/۴
درب نو	۱/۹۵	۳/۱۲	۳/۲	۳/۳	۳/۵۵	۲/۹۶	۳/۳۵	۲/۸	۱/۸۷	۳/۲	۳/۲	۲/۲
دوشنبه ای	۲/۰۵	۳/۹۳	۲/۲	۲/۷۵	۲/۹۵	۲/۱۲	۲/۸۲۵	۳/۵	۲/۱	۳/۱	۱/۵	۲
میدان	۲/۵۵	۳/۴۰۹	۳/۸	۲/۸	۲/۳	۳/۴	۳/۳۷۵	۲	۲/۳۴	۲/۲۶	۲/۳	۱/۹
میخچه گران	۲/۹۵	۳/۳۶	۲/۹	۳	۳/۱۵	۲/۳۴	۳/۲۵	۳/۱	۲/۰۵۱	۳/۲۳	۲/۹	۱/۸
میرکریم	۲/۴	۲/۳۶	۳	۲/۲۵	۲/۳۵	۲/۳۲	۲/۳۵	۱/۶	۲/۳۵	۲/۲۶	۲/۳	۱/۸
نعلبندان	۱/۹۵	۴/۱۳	۳/۹	۲/۶۵	۳/۱	۳/۹۹	۳/۴	۳/۲	۲/۹۱	۲/۷	۱/۵	۳/۲
پاسرو	۲/۵	۴/۰۶	۳/۷	۲/۹	۳/۰۵	۳/۸۷	۳/۸۵	۲/۶	۲/۸۸	۲/۶۶	۲/۳	۲/۸۸
سبزمشهد	۳/۲۵	۳/۱۶	۳/۵	۲/۷۵	۳/۰۵	۲/۸۲	۳/۲۵	۳	۲/۸۳	۲/۷	۲/۵	۲/۶
سرچشمه	۳/۳۵	۳/۳۶	۴/۴	۲/۹۵	۳/۱۵	۳/۶۶	۳/۱۲۵	۳/۷	۲/۸۹	۳/۳۳	۲/۳	۲/۷۱
سرپیر	۲/۶	۳/۶	۳/۴	۳	۳/۶۵	۲/۴۶	۳/۰۵	۴/۹	۲/۴۳	۲/۲۱۳	۲/۴	۲/۷
شیرکش	۲/۳	۲/۴۶	۱/۹	۳/۳	۲/۹۵	۲/۸۴	۲/۴	۴/۵	۱/۵۶	۳/۶	۲/۹	۲/۷
باغشاه	۲/۵	۲/۲۳۳	۲/۳	۲/۸۵	۳/۰۵	۲/۹۲	۲/۸۵	۲/۳	۱/۹	۲/۹۳۳	۲/۶	۲/۵

(نگارندگان)



جدول ۶. تعیین نزدیکی نسبی و رتبه‌بندی گزینه‌ها

رتبه	cl_i	D_i^-	D_i^+	محلّه
۱۳	۰/۳۰۶۷۶۱	۰/۱۰۱۷۴۶	۰/۲۲۹۹۳۴	چهارشنبه ای
۱۵	۰/۰۶۲۹۵۵	۰/۰۲۰۵۱۲	۰/۳۰۵۳۰۲	باغ پلنگ و شاهزاده ابراهیم
۴	۰/۵۳۳۶۶۹	۰/۲۰۲۳۶	۰/۱۷۶۸۲۶	دباغان
۸	۰/۴۷۷۹۵	۰/۱۶۲۹۱۴	۰/۱۷۷۹۴۶	درب نو
۹	۰/۴۵۱۸۴۳	۰/۱۶۸۷۵۹	۰/۲۰۴۷۳۲	دوشنبه ای
۱۲	۰/۳۹۳۵۴۷	۰/۱۳۹۸۸۳	۰/۲۱۵۵۵۹	میدان
۱۱	۰/۴۴۳۰۱۸	۰/۱۵۲۶۷۲	۰/۱۹۱۹۴۶	میخچه گران
۱۴	۰/۱۷۳۷۲۵	۰/۰۶۰۴۱۱	۰/۲۸۷۳۲۷	میرکریم
۲	۰/۶۶۲۵۲۹	۰/۲۴۰۹۲۳	۰/۱۲۲۷۱۹	نعلبندان
۳	۰/۶۲۵۹۵۷	۰/۲۳۱۲۷۵	۰/۱۳۸۲	پاسرو
۷	۰/۴۷۹۹۱	۰/۱۵۹۶۹۶	۰/۱۷۳۰۶۶	سبزمشهد
۱	۰/۶۸۱۶۶۶	۰/۲۳۰۴۷۶	۰/۱۰۷۶۳۱	سرچشمه
۵	۰/۵۲۹۴۵۹	۰/۲۰۳۸۶۶	۰/۱۸۱۱۷۹	سرپیر
۱۰	۰/۴۴۳۲۷۹	۰/۱۶۷۲۹۷	۰/۲۱۰۱۱۱	شیرکش
۶	۰/۵۱۹۹۶۱	۰/۳۴۸۹۵	۰/۳۲۲۱۵۷	باغشاه



نمودار ۵. رتبه‌بندی محلات به کمک روش تاپسیس (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مرور ادبیات نظری حس تعلق نشان داد که این مفهوم از منظر نظام‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است و بر روابط و پیوندهای میان فرد با محیط پیرامون خود تأکید دارد. ابعاد ذهنی، ریخت‌شناسی-کالبدی و کارکردی-فعالیتی در شکل‌بخشیدن به این حس، تأثیرگذار هستند. عوامل تعلق مکانی مشتمل بر معیارهای خاطره‌انگیزی، وابستگی‌های عاطفی، دلبستگی به مکان، خوانایی و نمایانی، امنیت، ماندگاری و آشنایی با مکان (ذهنی)، تمایز شخصیتی، محصوریت و بومی‌گرایی (ریخت‌شناسی-کالبدی)، گوناگونی، سرزندگی، نقش‌انگیزی، تعاملات اجتماعی و رضایت‌مندی (کارکردی-فعالیتی) می‌باشند.

از مجموع معیارهای معرفی شده، ۱۵ شاخص سنجش، استخراج شده و این شاخص‌ها جهت پاسخگویی به وضعیت تعلق مکانی محلات شهر گرگان توسط نخبگان، ارزیابی و وزن‌دهی شده است و سپس وضعیت هر محلّه بر حسب شاخص‌های تأییدشده، تحلیل و وضعیت تعلق مکانی محلات بر حسب امتیاز مجموع شاخص‌ها در مدل تاپسیس رتبه‌بندی شدند. ۳ شاخص خوانایی از ابعاد ذهنی و شاخص‌های بومی‌گرایی و محصوریت از ابعاد ریخت‌شناسی و کالبدی از نظر نخبگان قابلیت سنجش در محلات بافت تاریخی گرگان را نداشته و حذف گردیدند. هم‌چنین از میان شاخص‌های مورد تأیید، معیارهای سرزندگی و دلبستگی به مکان به ترتیب با وزن‌های نهایی ۰/۱۴۱ و ۰/۱۳۸ از بیشترین میزان اهمیت در فرآیند دلبستگی ساکنین برخوردار بوده و کمترین میزان اهمیت را نیز معیار تمایز شخصیتی با امتیاز ۰/۰۰۹ به خود اختصاص داده است. نتایج به‌دست آمده در این بخش نشان می‌دهد که عواملی



که در وابستگی فرد به محیط نقش دارند و مبتنی بر پیوندهای وی با محیط هستند مانند دل‌بستگی به محیط و هم‌چنین عواملی که در ایجاد فضاهای سرزنده و پویا نقش دارند، تأثیر به‌مراتب بیشتری دارند. هم‌چنین عوامل صرفاً کالبدی نظیر تناسبات و محصوریت فضا و تمایز شخصیت کالبدی، نقش چندانی در احساس تعلق فرد نسبت به محیط ندارند. به‌طور کلی در این زمینه، نقش عوامل اجتماعی و پیوندهای میان فرد و محیط پررنگ‌تر هستند. در مورد چگونگی وضعیت تعلق مکانی در محلات پانزده‌گانه بررسی شده بافت تاریخی گرگان، یافته‌ها نشان می‌دهد که محلات سرچشمه، نعلبندان و پاسرو به‌ترتیب با نمرات نهایی ۰/۶۸، ۰/۶۶ و ۰/۶۳ از بیشترین میزان تعلق مکانی در میان محلات بافت تاریخی شهر گرگان برخوردار بوده‌اند. این محلات در بخش‌های مرکزی بافت تاریخی گرگان قرار گرفته‌اند و فعالیت‌های مختلف و گوناگونی در آنها جریان دارد. محله سرچشمه، محله‌ای است که امامزاده نور را در مرکز خود دارد و در کنار تکیه‌های فعال، در مرکز رفت‌وآمدها و جریانات مختلف ارتباطی و کارکردی قرار گرفته است. توجه نسبی به بهسازی فضاهای عمومی محله و افزایش خانه‌های مرمت‌شده با عملکردهای مناسب در چند سال گذشته در کنار جایگاه تاریخی محله سرچشمه به‌عنوان محله‌ای دارای اقشار با وضعیت نسبتاً مناسب اجتماعی می‌تواند از عوامل اصلی احساس تعلق مکانی به محله باشد. این محله در شاخص‌هایی نظیر ماندگاری، تمایز شخصیتی، خاطرات جمعی، رضایت‌مندی از مکان و گوناگونی، وضعیتی به‌مراتب بالاتر از میانگین این شاخص‌ها در میان محلات بررسی شده دارد. هم‌چنین محلات پاسرو و نعلبندان به‌نوعی دربرگیرنده بخش‌های اصلی بازار و مرکز تاریخی گرگان قدیم هستند و ارزش بالای زمین و واحدهای تجاری در این محدوده نشان‌دهنده تقاضای بالا برای این بخش هستند. هر چند که نقش‌های مسکونی این دو محله در دهه‌های اخیر کم‌رنگ‌تر شده اما می‌توان از آنها به‌عنوان سرزنده‌ترین بازارها و محدوده تجاری شهر گرگان نام برد. ارزش اقتصادی قابل توجه فضا و زمین در این محلات در حفظ و بهبود مداوم کیفیت فضاهای عمومی نیز تأثیرگذار بوده است.

محلات دباغان و سرپیر با نمره نهایی ۰/۵۳ در رتبه چهارم قرار گرفته‌اند. بررسی‌های شاخص‌های جمعیتی محله دباغان نشان می‌دهد که این محله دارای رتبه دوم نرخ سواد و رتبه اول در شاخص‌های خانوار در واحد مسکونی و نفر در واحد مسکونی است. هم‌چنین در بعد کالبدی نیز این محله دارای شبکه معابر کاملاً نفوذپذیر است. با توجه به قرارگیری در مرز شمالی بافت تاریخی و همجواری با محور ارتباطی-عملکردی، خیابان رسالت از نظر کالبدی و اجتماعی (گروه‌های ساکن) در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار گرفته است. هم‌چنین در رابطه با محله سرپیر نیز تقریباً ویژگی‌های مشابهی را با توجه به قرارگیری در حاشیه شمال شرقی بافت تاریخی می‌توان برشمرد. در میان محلات بررسی شده، این محله بیشترین جمعیت را در خود جای داده است و از سوی دیگر بیشترین تراکم جمعیتی را نیز دارا می‌باشد. هم‌چنین سهم جمعیت جوان نیز در این محله قابل توجه است.

در رتبه‌های بعدی، محلات باغشاه با نمره نهایی ۰/۵۳ و سبزه مشهد و درب نو با نمره نهایی ۰/۴۸ قرار گرفته‌اند. محله باغشاه در بخش جنوبی بافت تاریخی و جایی قرار گرفته است که قیمت زمین، فضا و مسکن افزایش می‌یابد (جریان افزایش قیمت از شمال به جنوب در شهر گرگان). با افزایش قیمت فضا در این محله، تقاضا برای نوسازی و ساخت‌وساز نیز همواره زیاد بوده است. غیر از لبه‌های شرقی محله که در جداره مهمترین محور شمالی-جنوبی شهر قرار گرفته و دارای کاربری‌های غالب تجاری، اداری و .. است، سایر بخش‌ها نیز از رونق نسبی برخوردار بوده و گروه‌های جدیدی در سال‌های اخیر در آن ساکن شده‌اند که علی‌رغم ماندگاری کوتاه، آنها پیوندهای مناسبی با مکان برقرار کرده‌اند. محلات سبزه مشهد و درب نو نیز علی‌رغم آن که دارای مراکز شاخص و ویژه‌ای با مجموعه‌ای از تکلیا و خدمات و کارکردهای مرتبط هستند اما به‌علت عدم رونق جریان زندگی و کار در آنها، دارای فضاهای قابل‌ملاحظه رهاشده در سطح محله هستند. در کیفیت بد فضا و محیط زندگی، احساس ساکنان نسبت به محله و پیوند با آن تضعیف شده است.

در انتهای رتبه‌بندی صورت احساس تعلق مکانی، نیز محلات میرکریم و باغ پلنگ و شازده قاسم می‌باشند که در واقع به‌عنوان بافت‌های حاشیه‌ای در بخش شمالی و غربی محدوده تاریخی شهر گرگان قرار گرفته‌اند؛ جایی که

ارزش زمین و فضا کاهش می‌یابد و تمایل به سکونت در آنها پایین‌تر است. شاخص‌های اجتماعی مانند تعاملات اجتماعی، امنیت، آشنایی با مکان و خاطرات جمعی در رتبه‌بندی محله میرکریم و شاخص‌هایی مانند تمایز شخصیتی، امنیت، گوناگونی، وابستگی و دلبستگی به مکان در رتبه‌بندی محله باغ پلنگ و شازده قاسم تأثیرگذار بوده است. به‌طور کلی در سه بعد مورد بررسی ذهنی، کالبدی و فعالیتی در محلات بافت تاریخی شهر گرگان، ابعاد ذهنی (مانند گاری، دلبستگی و وابستگی به مکان) و فعالیتی (تعاملات اجتماعی و سرزندگی)، بیشترین تأثیر را در سنجش نمره نهایی و رتبه‌بندی محلات بافت تاریخی گرگان از نظر حس تعلق مکانی داشته‌اند.

منابع و ماخذ

- آذر، عادل و رجب‌زاده، علی. (۱۳۷۸). *تصمیم‌گیری کاربردی*. چاپ اول، تهران: نگاه دانش.
- اسماعیل‌پور، فاطمه. (۱۳۸۵). شهرهای جدید و خاطرات جمعی (مورد: شهر جدید مهاباد). *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید*، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید. ۵۲۱-۵۳۲.
- پیربابایی، محمدتقی و سجادزاده، حسن. (۱۳۹۰). تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی. *باغ نظر*، ۸(۱۷)، ۲۷-۱۶.
- دانشپور، سیدعبداله؛ مهدوی‌نیا، مجتبی و غیایی، محمدمهدی. (۱۳۸۸). جایگاه دانش روانشناسی محیطی در ساختمان‌های بلندمرتبه با رویکرد معماری پایدار. *نشریه هویت شهر*، ۳(۵)، ۳۸-۲۹.
- جوان‌فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. *هویت شهر*، ۵(۸)، ۳۷-۲۷.
- سجادزاده، حسن. (۱۳۹۲). نقش دلبستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان). *باغ نظر*، سال دهم (۲۵)، ۸۸-۷۹.
- شمعی، علی و پوراحمد، احمد. (۱۳۸۲). بهسازی و نوسازی شهری از دید علم جغرافیا. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱(۲۶)، ۶۶-۵۷.
- قاسمی، مروارید. (۱۳۸۳). *اهل کجا هستیم (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)*. چاپ اول، تهران: روزنه.
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن فرهنگ و هویت*. چاپ اول، تهران.
- معلمی، محسن. (۱۳۸۶). هویت شهری، هویت مسکونی، مفاهیم گمشده امروزی. *ماهنامه راه و ساختمان*، ۴۸(۴)، ۹۰-۱۰۰.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و پورفتح‌اله، مانده. (۱۳۹۴). فناوری‌های جدید نورپردازی و ارتقای حس تعلق شهروندان. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۷(۱)، ۱۴۱-۱۳۱.
- وارثی، حمیدرضا؛ بافنده، مهدی و محمدزاده، محمد. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید. *برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد مرودشت*، ۱(۲)، ۳۶-۱۷.
- Altman, I., & Low, S. (1992). **Place attachment**. New York: Plenum Press.
- Ayag, Z. & Ozdemir, R.G. (2006). A fuzzy AHP approach to evaluating machine tool alternatives. **Journal of Intelligent Manufacturing**, Vol 17, (2), 179 – 190.
- Becker, L. (1991), The need for new paradigms building a sense of belonging for today's managers. **utilities policy**, vol1, (5), 424- 426.
- Buttell, F.; Martinson, O. & Wilkening, E. (1979). Size of place and community attachment. **A reconsideration, Social Indicators Research**, 6(4), 475- 485.
- Carmona, M. (2006). **Public places, urban spaces**. Oxford: Architectural press, Elsevier.
- Corsane, G & Davis, P. (2012). **Convery, I Making Sense Of place: Mmultidisciplinary Perspectives**. Boydell & Brewer, New Castell: Boydell Press.



- Hidalgo, C. & Hernandez, B. (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. **Journal of Environmental Psychology**, Vol 21, (3), 273- 281.
- Hwang, C. & Yoon, K. (1981). **Multiple Attribute Decision Making Methods and Applications**. Newyork: Springer.
- Knox, P. & Pinch, S. (2000). **Urban Social Geography :An Introduction**. Prentice Hall: Harlow.
- Lawson, B. (2001). **The Language of Space**. London: Architectural press.
- Peters, K; Stodolska, M & Horolets, A. (2017). The role of natural environments in developing a sense of belonging: A comparative study of immigrants in the U.S., Poland, the Netherlands and Germany. **Urban Forestry & Urban Greening**, vol 17, 63- 70.
- Riger, S. & Lavrakas, P. (1981). Community ties: patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. **American Journal of Community Psychology**, Vol 9, (1), 55- 66.
- Rao, R. V. & Davim, J. P. (2008). A decision-making framework model for material selection using combined multiple attribute decision-making method. **Journal of Adv Manufacturing Technology**, 35 (7), 751 - 760.
- 16. Stedman, R.C. (2003). Is it really just a social construction? **The construction of the physical society & natural**. Place environment to sense of Resources, 8(16), 671-685.
- Steele, F. (1981). **The sense of place**. Boston: CBI Publishing Company.
- Tuan, Y.-F. (1974). **Topophilia: a Study of Environmental Perception, Attitudes, and Values**, Prentice-Hall. London
- Tsaur, S. H.; Chang, T. Y. & Yen, C. H. (2002). The evaluation of airline service quality by fuzzy MCDM. **Tourism Management**, 23 (2), 107- 115.



Received: 2017/03/06

Accepted: 2017/11/20

Assessing and rating sense of belonging in the neighborhoods of old district of Gorgan

Saleh Roshani* Nooshin Rezvani** Reza Parsian Khamari***

Abstract

Sense of belonging as the ennobled sense among people with common goals, contains interests and attachments of individuals to the place, places with the qualities of belonging sense have distinct atmospheres that remain on the individuals mind and make them to return to these places. Trying to give sense of belonging to citizens' settlements is a relatively new method in public urban spaces management which aims to transform boring and abandoned spaces to vibrant and high quality places. The old texture of Gorgan as the main core of the city is facing many problems that a part of these problems is due to the decrease of inhabitants' sense of belonging to the places. Finding the constituent factors of the sense of belonging and the position of historical textures of Gorgan is important. Therefore, Effective norms are gathered by using library studies, and they are also weighted by using the fuzzy analytic hierarchy process (FAHP). In the next step the assessed statements through questionnaires in the neighborhoods were analyzed, and the obtained results were ranked by using TOPSIS method. The results indicate that regarding the examined norms of sense of belonging, the most important factors are vitality, attachment to place, satisfaction of place and the collective memories, respectively. The results of rating by TOPSIS model indicate that the neighborhoods of Sarcheshmeh (0.681), Naalbandan (0.662), Pasarve (0.625), and Dabaghan (0.533) have got the most final score of sense of belonging. On the other hand, the neighborhoods of Baghepalang and ShazdeGhasem, Mirkarim and Chaharshanbeyi have got the least final scores. The neighborhoods of Sarcheshmeh, Naalbandan, and Pasarve with the high sense of belonging are located in the historical texture places, which have the most vitality, and a set of various activities that is active all the time is established in these places. In assessing the sense of belonging, subjective dimensions (collective memories, attachment, and dependency to place), and activities (satisfaction and vitality) have had the most influences in assessing the sense of belonging to historical texture of Gorgan.

Keywords: Sense of belonging, FAHP, TOPSIS, Old district of Gorgan

* M.A, Urban Planning, Iran University of Science and Technology.

** Phd Student, Institute of Culture, Art and Architecture.

*** PhD Student, Urban Planning and Design, Shahid Beheshti University.